

فلسفه و کلام اسلامی

کلام اسلامی با گرفتن رنگ فلسفی به خود، رشد بیشتری یافت

کلام اسلامی با گرفتن رنگ فلسفی به خود، از زمان خواجه نصیرالدین طوسی، رشد بیشتری پیدا کرد؛ چرا که همان مسائل کلامی متکلم در قالب و شکل بهتری تبیین و به اعتقاد ما منشأ رشد کلام اسلامی شد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمد مهدی احمدی» دانش‌آموخته فقه، اصول فقه و فلسفه و کلام اسلامی از حوزه علمیه قم و مدرس این دروس در حوزه است.

با وی در رابطه با هویت فلسفه و کلام اسلامی در میان مجموعه علوم اسلامی به گفت‌وگو نشستیم که اینک بخش نخست از گفت‌وگوی اختصاصی خبرنگار سرویس اندیشه و علم ایکنا با این استاد حوزه علمیه تقدیم می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد مهدی احمدی در پاسخ به این سؤال که از آنجا که پرسش‌های فلسفه اسلامی، ریشه در فلسفه یونانی دارد، آیا اصولاً چیزی به نام فلسفه اسلامی وجود دارد یا آنکه جهان اسلام تنها فلسفه مسلمانان را دارد؟ گفت: وقتی می‌گوییم فلسفه اسلامی، منظورمان این است که پرسش‌هایی که در جهان اسلام در باب حقایق هستی مطرح شده، طبعاً پاسخ‌هایی را از جانب اندیشمندان و متفکران اسلامی در همان رابطه دریافت کرده است. وی افزود: این چنین نیست که همه سؤال‌ها از یونان آمده باشد، مثلاً بحث معاد که آیا جسمانی است یا نه، در جهان اسلام مطرح شده است. این امر در یونان مطرح نبوده، پس فلسفه در جهان اسلام؛ یعنی مجموعه پرسش‌هایی که در جهان اسلام در مورد هستی و عوارض آن مطرح شده و فلاسفه اسلامی در این رابطه پاسخ‌هایی داده‌اند که این می‌شود فلسفه اسلامی.

استاد فلسفه و کلام اسلامی حوزه علمیه قم در پاسخ به این پرسش که فلسفه اسلامی تا چه حد می‌تواند در تبیین اصول عقاید به ما کمک کند تا بدین ترتیب فرق آن با کلام اسلامی روشن شود؟ گفت: طبیعی است که فلسفه در درجه اول هدفش این نیست آنچه را که انسان به آن معتقد است، اثبات کند. این کار کلام است. در حقیقت در کلام اسلامی، متکلم درصدد است تا آنچه را که پذیرفته و بدان معتقد است، در قالب استدلال بیان کند.

اگر چه در کلام اسلامی هم استدلال وجود دارد، ولی در این علم از مقدماتی که مشهورات و مقبولات از جمله آن‌هاست، استفاده می‌شود. اما در فلسفه استفاده شود وی در ادامه تصریح کرد: اما چون موضوع فلسفه اسلامی هستی است، دایره‌اش وسیع‌تر از کلام اسلامی است، ولی طبیعی است که فیلسوف بهتر می‌تواند با آن ایزاری که دارد، مسائل اعتقادی را اثبات کند. مثلاً در باب صفات خدا که آیا صفات خدا عین ذات است یا زائد بر ذات، طبعاً فیلسوف این مسائل را در قالب استدلال بیان می‌کند. حجت‌الاسلام و المسلمین احمدی تأکید کرد: اگر چه در کلام اسلامی هم استدلال وجود دارد، ولی در این علم از مقدماتی که مشهورات و مقبولات از جمله آن‌هاست، استفاده می‌شود. اما در فلسفه اسلامی باید از برهان استفاده شود، لذا دلیلی که فیلسوف می‌آورد، متقن‌تر است. پس فیلسوف مسلمان که در مسائل اعتقادی وارد می‌شود، بهتر می‌تواند مباحث توحید، صفات خدا، نبوت، معاد و ... را اثبات کند.

وی در پاسخ به این پرسش که به نظر می‌رسد کلام اسلامی خصوصاً از زمان «خواجه نصیرالدین طوسی»، رنگ فلسفی‌تری به خود گرفته است، آیا این امر به سود کلام اسلامی بوده است یا به ضرر آن؟ گفت: مسلماً این اتفاق به سود کلام اسلامی بوده است. معمولاً یکی از مسائلی که منشأ تکامل علم است، پرسش‌ها و سؤالاتی است که در آن علم مطرح می‌شود. این پرسش‌ها مباحث را به چالش می‌کشند و این منشأ رشد و تکامل علم می‌شود.

احمدی خاطرنشان کرد: به اعتقاد ما، از زمانی که اساساً کلام اسلامی، رنگ فلسفی به خود گرفت، جایگاه خود را باز کرد. قبلاً این‌گونه نبود و یا ادله کمی وجود داشت. ولی از زمانی که کلام اسلامی با مسائل فلسفی - حتی جواهر و اعراض - آمیخته شد، اساساً همان مسائل کلامی متکلم در قالب و شکل بهتری تبیین و به اعتقاد ما منشأ رشد کلام اسلامی شد که این خدمت را خواجه نصیر کرد و به کلام رنگ فلسفی داد و طبعاً مسائل متکلم بهتر تبیین شد.